

دین و حکومت در لهستان

کُنراد پدزیویاتر

مقدمه: رهبر و شماری از اعضای حزب "قانون و عدالت"، که در انتخابات اخیر لهستان به پیروزی رسید، از هواداران جنبش "ایستگاه رادیویی مریم" به شمار می‌روند. اعضای این جنبش محافظه‌کار کاتولیک، لیبرال‌ها، یهودیان، همجنسگرایان، فراماسون‌ها و اتحادیه‌ی اروپا را دشمن و تهدیدی برای خانواده‌ها، ملت، کشور، حاکمیت، سنت و فرهنگ ملی تلقی می‌کنند. آنها هر انتقادی از لهستانی‌ها را معادل حمله به کلیسای کاتولیک، و هر انتقادی از کلیسای کاتولیک را مترادف با انتقاد از لهستانی‌ها می‌پندارند. به نظر آنها، کلیسای کاتولیک و ملت لهستان درهم‌تنیده‌اند و این ملت نه زائیده‌ی تاریخ بلکه آفریده‌ی خداوند است. نظم اجتماعی مطلوب آنها مبتنی بر اصول اخلاقی واحد است، و تحمیل کامل این اصول را تنها راه حل مشکلات اجتماعی می‌شمارند. به نظر آنها، تنها یک راه برای "خوب زیستن" وجود دارد و همه باید همین راه را دنبال کنند. آنها بر این باورند که دین را نباید به امور عبادی و کارهای خیریه محدود ساخت بلکه باید آن را در همه‌ی عرصه‌های اجتماعی فعال کرد.

از نظر دینی، لهستان یکی از همگون‌ترین کشورهای اتحادیه‌ی اروپا است.^۱ افزون بر این، لهستان یکی از کشورهاییی است که دین در آن نقش اجتماعی و سیاسی بسیار مهمی دارد. نفوذ کلیسای کاتولیک از زندگی شخصی مؤمنان فراتر می‌رود و سپهر عمومی کل کشور را دربرمی‌گیرد. در حالی که شمار پیروان کلیساها در دیگر کشورهای اروپایی کاهش یافته و بعضی از این کلیساها تعطیل یا به اماکن غیرمسیحی/غیر دینی تبدیل شده‌اند، یکشنبه‌ها در کلیساهای لهستان جای سوزن انداختن نیست و کلیسای روتن دارد. افزون بر این، کشیش فرهمندی به نام پدر تادئوش ریدزیک، جنبش اجتماعی موفق را سازمان‌دهی کرده است. یکی از پررونق‌ترین کسب و کارهای تبشیری ریدزیک، ایستگاه رادیویی مریم است. در کشور زادگاه پاپ ژان پل دوم فقید، هر روز اخباری از جدیدترین فعالیت‌های رهبر یا اعضای "خانواده‌ی ایستگاه رادیویی مریم" به گوش می‌رسد. ایستگاه رادیویی مریم و جنبش پیرامون آن به بحث‌های گسترده‌ای دامن زده و توجه رسانه‌ها را به شدت جلب کرده است.

^۱ آنچه در ادامه می‌خوانید، برگردان و بازنویسی گزیده‌هایی از مقاله‌ی زیر است:

Konrad Pedziwiatr (2014) 'Church and State Relations in Poland, with Special Focus on the Radio Station Mary' in Greg Simons & David Westerlund (eds.) *Religion, Politics and Nation-building in Post-Communist Countries*, Ashgate Publishing Company.

در این مقاله علاوه بر پرداختن به وجوه اصلی رابطه‌ی دین و حکومت در لهستان پسا کمونیستی، جنبش خانوادگی ایستگاه رادیویی مریم را بررسی می‌کنیم. به این منظور، نه تنها به بعضی از فعالیت‌های عمده‌ی این جنبش بلکه به تاریخ و ساختارهای آن می‌پردازیم. خواهیم گفت که این جنبش روابط دوستانه‌ی کلیسای کاتولیک و حکومت لهستان را برهم می‌زند. ظهور این جنبش، نشانه‌ی کاهش وحدت کلیسای کاتولیک لهستان و حاکی از نهادینه‌شدن گرایش‌هایی است که پیش از سال ۱۹۸۹ رهبری کلیسا آنها را کنترل می‌کرد.

چشم انداز دینی لهستان

برای نخستین بار از سال ۱۹۳۱، پرسش اختیاری از دین در سرشماری سال ۲۰۱۱ گنجانده شد. بنابراین، اکنون ترسیم وضعیت دینی لهستان آسان‌تر از گذشته است که داده‌های کمی مربوط به تعلقات مذهبی لهستانی‌ها را عمدتاً از خود سازمان‌های دینی می‌گرفتند. بر اساس نتایج سرشماری سال ۲۰۱۱، ۳۳.۷ میلیون نفر از لهستانی‌ها (۸۷.۶ درصد از کل جمعیت کشور و ۹۶ درصد از کسانی که به پرسش مربوط به دین پاسخ دادند)، عضو کلیسای کاتولیکند. پیروان کلیسای ارتدکس لهستان، دومین گروه دینی بزرگ در این کشور را تشکیل می‌دهند. اما تعداد آنها بسیار کمتر از برآوردهای پیشین کلیسای ارتدکس است. رهبران کلیسای ارتدکس لهستان ادعا می‌کردند که بیش از نیم میلیون پیرو دارند، در حالی که در سرشماری ۲۰۱۱ تنها ۱۵۶۰۰۰ نفر - یعنی، ۰.۴ درصد از کل جمعیت کشور - خود را ارتدکس خواندند. شاهدان یهوه سومین گروه دینی بزرگ در لهستان به شمار می‌روند. برآوردهای خود این گروه، که در دهه‌های گذشته به سرعت رشد کرده، با نتایج سرشماری همخوانی دارد: ۱۳۷۰۰۰ نفر، یعنی، ۰.۳۵ درصد از کل جمعیت کشور. دیگر گروه‌های دینی عبارتند از کلیسای تبشیری شهادت‌نامه‌ی آگسبورگ در لهستان (۷۱۰۰۰ نفر)، کلیسای کاتولیک یونانی آکراین (۳۳۰۰۰ نفر)، و کلیسای پنجاهه‌ای در لهستان (۲۶۰۰۰ نفر). ۹۲۹۰۰۰ نفر گفتند که دینی ندارند. این گروه ۲.۴ درصد از کل جمعیت کشور و ۲.۶ درصد از کسانی را تشکیل می‌دهند که به پرسش مربوط به دین پاسخ دادند. همان طور که این نتایج نشان می‌دهد، لهستان از نظر دینی نسبتاً همگون است و کلیسای کاتولیک، دین اکثریت به شمار می‌رود. دیگر پژوهش‌ها حاکی از آن است که تا جایی که به حضور در کلیسا مربوط می‌شود، لهستان کشوری مذهبی است. به گزارش مؤسسه‌ی آمار کلیسای کاتولیک، در سه دهه‌ی گذشته، شمار کسانی که به طور منظم به کلیسا می‌روند، تنها اندکی کاهش یافته است. در سال ۱۹۸۹، که لهستان از سلطه‌ی کمونیسم رهایی یافت، اندکی کمتر از ۵۰ درصد از مردم هر یکشنبه به کلیسا می‌رفتند. اکنون این رقم اندکی بیش از ۴۰ درصد است.

به گزارش یک مؤسسه‌ی پژوهشی غیرکاتولیک، در سال ۱۹۹۲، حدود ۵۶ درصد از لهستانی‌ها به طور منظم به کلیسا می‌رفتند، در حالی که اکنون این رقم حدود ۱۵ درصد کاهش یافته است. میان درصد کلیسا روها در نواحی شهری و روستایی تفاوت چشمگیری وجود دارد. افزون بر این، در کل، تعداد کلیسا روها در شرق و جنوب لهستان از بخش‌های غربی و شمالی این کشور بیشتر است.

هر دو گزارش پیش‌گفته درباره‌ی تعمیق دینداری کاتولیک‌ها اتفاق نظر دارند. به گزارش مؤسسه‌ی آمار کلیسای کاتولیک، شمار کسانی که به طور کامل در مراسم عشای ربانی شرکت می‌کنند و نان و شراب مقدس می‌گیرند،

پیوسته افزایش یافته و از ۸.۷ درصد در سال ۱۹۸۰ به حدود ۱۹ درصد رسیده است. گزارش مؤسسه‌ی پژوهشی غیرکاتولیک نیز حاکی از گرایش فزاینده‌ی لهستانی‌ها به عبادت است. این گرایش در سال ۲۰۰۵ به اوج رسید و از آن پس، اندکی کاهش یافته است.

ورود لهستان به اتحادیه‌ی اروپا و آشنایی مردم با سبک‌های زندگی و جهان‌بینی‌های گوناگون، و افزایش چشمگیر مهاجرت از لهستان را علل اصلی "روندهای موعوق سکولاریزاسیون" می‌دانند. به نظر مؤسسه‌ی آمار کلیسای کاتولیک، بی‌علاقگی فزاینده‌ی جوانان به شعائر و مناسک دینی، افزایش روابط جنسی پیش از ازدواج و رواج روش‌های پیشگیری از بارداری، نشانه‌های سکولاریزاسیون است. اما برخی از منتقدان کاتولیک، فقدان اصلاحات درونی در کلیسا، غرور بعضی از رهبران کلیسا و تلاش برای سرپوش گذاشتن بر کودک‌آزاری برخی از روحانیون را علل اصلی کاهش محبوبیت کلیسا می‌دانند.

یکی از ویژگی‌های مهم آیین کاتولیک لهستانی، ناهمخوانی آشکار میان ابراز تعلق به کلیسا و بی‌اعتنایی به آموزه‌های اصلی آیین کاتولیک است. برخی از پژوهشگران نشان داده‌اند که به رغم ابراز تعلق حدود ۹۰ درصد از جمعیت به کلیسای کاتولیک، کمتر از ۷۰ درصد از آنها به حیات ابدی و کمتر از نیمی از آنها به جهنم یا رستاخیز عقیده دارند. با توجه به این امر، می‌توان گفت در لهستان با "تعلق عاری از عقیده" روبرویم. بر عکس، در بریتانیا، پدیده‌ی رایج، "عقیده‌ی عاری از تعلق" است.

روابط دین و حکومت

بندهای ۵۳ و ۲۵ قانون اساسی لهستان، آزادی دین را تضمین می‌کنند، و جوامع دینی می‌توانند در صورت تمایل به طور رسمی خود را ثبت کنند. با وجود این، تا جایی که به روابط دین و حکومت مربوط می‌شود، کلیسای کاتولیک، بازیگر اصلی است. این کلیسا تنها نهاد دینی‌ای است که بر اساس معاهده‌ای بین‌المللی با حکومت رابطه دارد. بند ۲۵ قانون اساسی لهستان تصریح می‌کند که روابط میان جمهوری لهستان و دیگر کلیساها و سازمان‌های دینی را قوانینی تعیین می‌کند که در پی توافق میان نمایندگان آنها و شورای وزیران وضع می‌شود.

پس از فروپاشی کمونیسم، کلیسای کاتولیک برتری خود نسبت به دیگر گروه‌های دینی را حفظ کرد اما این کار آسان نبود. بعضی از مسائل تنش‌آفرین میان کلیسا و حکومت عبارتند از آموزش دینی در مدارس (تا سال ۱۹۸۹ این کار نه در مدارس بلکه در کلیساها انجام می‌شد)، اشاره به خدا در قانون اساسی، اشاره به ارزش‌های مسیحی در لایحه‌ی رادیو و تلویزیون، تصویب قانون تنظیم خانواده، حفظ جنین و شرایط سقط جنین قانونی در مجلس (معروف به قانون سال ۱۹۹۳ درباره‌ی ممنوعیت سقط جنین)، امضای موافقت‌نامه با واتیکان، و مناقشه‌های اخیر بر سر عملکرد کمیسیون املاک و مستغلات،^۲ و برچیدن "صندوق کلیسا".^۳ افزون بر این مسائل، که در

^۲ کمیسیون مشترک دولت و کلیسا که در سال ۱۹۸۹ برای پرداخت غرامت یا اعاده‌ی املاک مصادره شده توسط کمونیست‌ها به کلیسای کاتولیک و دیگر جوامع دینی تشکیل شد.

^۳ Church Fund

این صندوق، بیمه‌ی تأمین اجتماعی و بیمه‌ی تندرستی روحانیون را پوشش می‌دهد.

ادامه به بعضی از آنها خواهیم پرداخت، ظهور خانواده‌ی ایستگاه رادیویی مریم، روابط نسبتاً دوستانه‌ی کلیسا و حکومت را برهم زد.

نباید از یاد بُرد که در کشور پاپ ژان پُل دوم فقید، هویت‌های دینی و ملی درهم تنیده‌اند. برای اکثر شهروندان این کشور، لهستانی بودن مترادف با کاتولیک بودن است. این پیوند بسیار محکم میان کلیسای کاتولیک و ملت، که به نظر کاردینال استنیسلاو ویشینسکی، سراسقف اسبق کلیسای کاتولیک لهستان، در سراسر جهان بی‌نظیر است، نقش مهمی در پیدایش "جنبش همبستگی" داشت. در دوران کمونیسم، کلیسای کاتولیک نه تنها به مقاومت در برابر نظام کمونیستی مشروعیت می‌داد و برای حقوق بشر مبارزه می‌کرد بلکه نماد آزادی بود.

پس از فروپاشی کمونیسم، کلیسای کاتولیک در پی کسب هویتی جدید برآمد. هر چند امضاء و تصویب موافقت‌نامه با واتیکان، به ترتیب در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۸، موقعیت ممتاز این کلیسا در جامعه را تضمین می‌کرد اما فقدان دشمنی همچون کمونیسم، انسجامش را تهدید می‌کرد. آموزش، یکی از عرصه‌هایی بود که کلیسای کاتولیک در آن امتیازاتی را به دست آورد. در لهستان دانشگاه‌های خصوصی فراوانی وجود دارد که صرفاً با دریافت شهریه از دانشجویان و کمک هزینه‌های پژوهشی، اداره می‌شوند. هر چند چهار دانشگاه کاتولیک موجود در ورشو، لوبلین و کراکوف، غیردولتی به شمار می‌روند اما ۶۰ درصد از بودجه‌ی آنها را دولت تأمین می‌کند. این امر با قانون اساسی کشور، مصوبات قانونی درباره‌ی تحصیلات عالی، و بندهای خاصی از موافقت‌نامه با واتیکان همخوانی دارد.

کلیسای کاتولیک نه تنها در تنظیم امور گوناگونی که به طور سنتی به سپهر خصوصی تعلق دارند، نقش مهمی بازی می‌کند (برای مثال، از طریق آموزش‌های دینی در مدارس دولتی) بلکه بر شکل و محتوای بحث در سپهر عمومی هم تأثیر می‌گذارد. اقلیت‌های دینی، از جمله بزرگترین آنها، یعنی کلیسای ارتدکس، به ندرت در سپهر عمومی ملی حضور دارند. کلیسای کاتولیک خود را سخنگوی کل ملت می‌داند، در حالی که در عمل، ناهمگونی فزاینده‌ی جامعه به این معنا است که تنها سخنگوی گروه‌های محدودی در جامعه است. جالب این که بسیاری از مردم حضور کلیسای کاتولیک در سپهر عمومی را می‌پذیرند. بر اساس بعضی از پیمایش‌ها، حدود ۹۰ درصد از لهستانی‌ها با نصب صلیب در بناهای دولتی (از جمله مدارس و اداره‌های دولتی) مخالف نیستند، بیش از ۸۰ درصد از آنها آموزش مذهبی در مدارس و ماهیت دینی سوگند نظامیان را می‌پذیرند، و ۷۰ درصد از آنها با حضور کشیش‌ها در تلویزیون دولتی و حق اظهار نظر علنی کلیسا درباره‌ی مسائل اخلاقی موافقت می‌کنند. با وجود این، در نظر ۶۵ درصد از لهستانی‌ها، کلیسای کاتولیک بیش از حد لازم نفوذ دارد، و نیمی از مردم، قدرت این کلیسا را بیش از حد می‌دانند. افزون بر این، ۵۲ درصد از لهستانی‌ها با مداخله‌ی کلیسا در قانون‌گذاری در مجلس مخالفند.

یکی از جدیدترین نمونه‌های اختلاف میان حکومت و کلیسای کاتولیک، مناقشه بر سر انحلال صندوق کلیسا و ایجاد مجاری جدیدی برای تأمین بودجه‌ی کلیساها و جوامع دینی در لهستان است. بر اساس پیشنهاد دولت، از ژانویه‌ی ۲۰۱۴ لهستانی‌ها می‌توانند حداکثر ۰.۵ درصد از مالیات بر درآمد خود را به یک کلیسا یا سازمان دینی بپردازند. همچنین می‌توانند از هیچ کلیسایی حمایت نکنند، و همان طور که اخیراً پیمایشی نشان داده،

ممکن است بسیاری از مردم همین گزینه را انتخاب کنند. دولت به همه‌ی کلیساها وعده داده که در فاصله‌ی سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۴، اگر مبلغ حاصل از مالیات بر درآمد پیروان آنها کمتر از میزان قبلی حاصل از صندوق کلیسا باشد، مابه‌التفاوت را به آنها خواهد پرداخت.

افزون بر این، اختلاف‌های درونی در کلیسای کاتولیک افزایش یافته است. پیدایش جنبش خانواده‌ی ایستگاه رادیویی مریم، نشانه‌ی آشکاری از تضعیف وحدت این کلیسا و حاکی از نهادینه‌شدن گرایش‌هایی است که رهبران کلیسا پیش از سال ۱۹۸۹ آنها را کنترل می‌کردند. بعضی از وجوه اصلی دینداری لهستانی، از جمله ملی‌گرایی دینی، احترام شدید و تعلق خاطر به روحانیون و اهمیت دادن به نظرات آنها درباره‌ی امور غیردینی، سنت‌گرایی، مناسک‌مداری، و تأکید بر جنبه‌ی عاطفی دین را می‌توان در این جنبش دید. این جنبش در بحبوحه‌ی تغییر و تحولات سریع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پدید آمد. بعضی از رویدادها و پدیده‌های مؤثر در رشد آن عبارتند از مناقشه بر سر آموزش‌های دینی در مدارس، تصویب قانون تنظیم خانواده، حفظ جنین و شرایط سقط جنین قانونی در مجلس، امضای موافقت‌نامه با واتیکان، ورود لهستان به اتحادیه‌ی اروپا (۲۰۰۴)، و ظهور گروه‌های فعال حامی حقوق زنان و اقلیت‌های جنسی در لهستان.

تاریخ جنبش خانواده‌ی ایستگاه رادیویی مردم و توسعه‌ی ساختارهای بسیج‌کننده‌ی آن

سرآغاز این جنبش به سال ۱۹۹۱ بازمی‌گردد، یعنی زمانی که رهبر فرهنگش، پدر تادئوش ریڈزیک، ایستگاه رادیویی مریم را تأسیس کرد. دیگر عناصر این ساختار بسیج‌کننده عبارتند از بنیاد "نور حقیقت"، یک دانشگاه، یک رادیوی اینترنتی جوانان، شبکه تلویزیونی "پایداری"، ماهنامه‌ی خانواده‌ی رادیو مریم، و یک مؤسسه‌ی انتشاراتی به نام "بنیاد آینده‌ی ما". این نهادها همگی با رادیو مریم پیوند دارند. افزون بر این، مؤسسه‌ی مثل روزنامه‌ی نازچینیک^۴ و وبسایت‌هایی نظیر *Ojczyzna.pl* و *Polskie-Wici.pl* را هم می‌توان جزئی از ساختار بسیج‌کننده‌ی این جنبش شمرد.

رشد سریع این نهادها پس از تأسیس رادیو مریم نه تنها حاکی از مهارت‌های تجاری و مدیریتی پدر ریڈزیک است بلکه نشان می‌دهد که برای این نوع رسانه‌ها تقاضا وجود دارد. رادیو مریم در مدتی بسیار کوتاه از یک ایستگاه رادیویی کوچک محلی به شبکه‌ی ملی بزرگی با بازوهای تجاری تبدیل شد. علاوه بر این، جنبش اجتماعی نیرومندی از ارزش‌های مطلوب این رادیو حمایت می‌کند. برخلاف دیگر شبکه‌های رادیو-تلویزیونی لهستانی که بودجه‌ی دولتی دارند یا هزینه‌های خود را از طریق درآمدهای حاصل از آگهی‌های بازرگانی تأمین می‌کنند، بودجه‌ی رادیو مریم را اعانه‌های هوادارانش تأمین می‌کند.

بنیاد "نور حقیقت" را پدر ریڈزیک در سال ۱۹۹۸ تأسیس کرد، و روحانی دیگری به نام پدر کزل در اداره‌ی بسیاری از فعالیت‌های تجاری این بنیاد به او کمک می‌کند. یکی از مهم‌ترین کارهای این بنیاد، تأسیس دانشگاهی خصوصی به نام "کالج فرهنگ اجتماعی و رسانه‌ای" در سال ۲۰۰۱ بود. شعار این دانشگاه، "ایمان، عقل و میهن" است. این دانشگاه در رشته‌های علوم سیاسی، مطالعات فرهنگی، فن‌آوری اطلاعات، و

⁴ Nasz Dziennik

به معنی "روزنامه‌ی ما".

روزنامه‌نگاری و ارتباطات، مدارک کارشناسی و کارشناسی ارشد را ارائه می‌کند. از سال ۲۰۰۶، مساحت این دانشگاه، که در شهر ترون در شمال لهستان قرار دارد، به طور چشمگیری افزایش یافته است. در همین سال، قانونی وضع شد که بر اساس آن، رؤسای همه‌ی دانشگاه‌های لهستان می‌بایست مدرک دکترای داشته باشند. بنابراین، پدر ریدزیک مجبور شد که از ریاست این دانشگاه استعفاء دهد. با وجود این، او پس از دریافت دکترای الهیات در سال ۲۰۰۹، به عنوان یکی از اعضای اصلی هیئت علمی این دانشگاه منصوب شد. دیگر اعضای هیئت علمی این دانشگاه هم شخصیت‌هایی جنجال‌برانگیزند. از سال ۲۰۰۹، این دانشگاه ایستگاه رادیویی اینترنتی داشته است.

یکی از دیگر فعالیت‌های تجاری بنیاد نور حقیقت، تأسیس شبکه‌ی تلویزیونی "پایداری" در سال ۲۰۰۳ بوده که دومین استودیوی تلویزیونی بزرگ کشور را در شهرهای ترون و ورشو دارد. علاوه بر مردم لهستان، ساکنان بسیاری از دیگر کشورها، از جمله آلمان، آمریکا، کانادا، ایتالیا و سوئیس، از طریق ماهواره به این شبکه دسترسی دارند. این شبکه علاوه بر برنامه‌های خبری و اطلاعاتی درباره‌ی جنبه‌های اجتماعی، سیاسی و دینی زندگی در لهستان، مراسم عشاء ربانی، ادعیه، نمازها و نمایش‌هایی با مضامین مسیحی را پخش می‌کند. بعضی از برنامه‌های این شبکه با برنامه‌های رادیو مریم همپوشانی دارد، و مفسران و تحلیلگران رادیو مریم اغلب در برنامه‌های شبکه‌ی پایداری هم شرکت می‌کنند. یکی از این افراد، استنیسلاو میخالکیویچ است که در روزنامه‌ی نائرجینیک هم قلم می‌زند. دیگری ریژی رُبرت نواک، از استادان کالج فرهنگ اجتماعی و رسانه‌ای، است که در برنامه‌ی ماهانه‌ای با عنوان "ماه قبل" به تحلیل و تفسیر رویدادهای سیاسی و فرهنگی ماه گذشته می‌پردازد. بودجه‌ی این شبکه عمدتاً از طریق کمک‌های مالی بینندگان آن، شنوندگان رادیو مریم و خوانندگان نائرجینیک، و همچنین از راه فروش گیرنده‌های تلویزیونی ماهواره‌ای تأمین می‌شود.

مؤسسه‌ی انتشاراتی "بنیاد آینده‌ی ما" از ابتدای تأسیس در سال ۱۹۹۵، سرگرم تهیه، تبلیغ و فروش نشریات گوناگون رادیو مریم و نهادهای وابسته به آن، از جمله ماهنامه‌ی "در خانواده‌ی ما" و تقویم خانواده‌ی رادیو مریم بوده است. این بنیاد، که در شهر کوچک ایشچچینیک در شمال غربی لهستان واقع شده، از سال ۱۹۹۸، یک دبیرستان خصوصی را هم اداره می‌کند. دانش‌آموزان و آموزگاران این مدرسه هر ماه یک بار در مراسم عشاء ربانی شرکت می‌کنند.

در سال ۱۹۹۸، گروهی از هواداران پدر ریدزیک، روزنامه‌ی محافظه‌کار کاتولیک نائرجینیک را بنا نهادند. تیراژ این روزنامه ۱۵۰۰۰۰-۱۰۰۰۰۰ نسخه است. سردبیر و نویسندگان آن اغلب در برنامه‌های رادیو مریم و شبکه‌ی تلویزیونی پایداری شرکت می‌کنند.

اعضا و آرای اصلی این جنبش

با اجازه‌ی کشیش‌های محلی، شنوندگان رادیو مریم "حلقه‌های دوستان رادیو مریم"، "حلقه‌های جوانان دوستدار رادیو مریم"، و "حلقه‌های کودکان تسبیح‌گوی"^۵ را تشکیل می‌دهند که هسته‌ی اصلی اعضای این جنبش را دربرمی‌گیرد. در سفر زیارتی اعضای خانواده‌ی رادیو مریم به چنستخو^۶ که هر سال در دومین یکشنبه‌ی ماه ژوئیه انجام می‌شود، حدود دویست هزار زائر، از جمله بسیاری از سیاستمداران نامدار، شرکت می‌کنند. یکی از شرکت‌کنندگان همیشگی در مراسم روز پایانی این سفر زیارتی، یاروسلاو کاژینسکی، نخست‌وزیر پیشین لهستان و رهبر کنونی حزب اپوزیسیون "قانون و عدالت" است. افزون بر این، خانواده‌ی رادیو مریم، گردهمایی سالانه‌ی شنوندگان رادیو مریم را در محل این ایستگاه رادیویی در ترون برگزار می‌کند. مؤسسات پژوهشی گوناگون، تعداد شنوندگان دائمی رادیو مریم را بین هفتصد و پنجاه هزار تا یک و نیم میلیون نفر (۴-۲ درصد از کل جمعیت کشور) تخمین می‌زنند. البته بر اساس برآوردهای بعضی از دیگر مؤسسات، ۸ درصد از بزرگسالان کشور، هر روز یا، حداقل، هفته‌ای چند بار به رادیو مریم گوش می‌کنند.

در میان شنوندگان این رادیو، شمار زنان از مردان بیشتر است. اکثر شنوندگان بیش از ۵۰ سال دارند، و معمولاً در روستاها و شهرهای کوچک زندگی می‌کنند. هر چه شهری بزرگ‌تر باشد، درصد شنوندگان دائمی این رادیو کمتر است. ۴۹ درصد از شنوندگان رادیو مریم، تحصیلات ابتدایی، ۴۳ درصد تحصیلات دبیرستانی و ۸ درصد تحصیلات دانشگاهی دارند. از نظر اقتصادی، شنوندگان این رادیو فقیرترین اقشار جامعه را تشکیل می‌دهند و در سال ۲۰۰۸، کمتر از ۱۰ درصد از آنها درآمدی بیش از ۴۰۰ یورو در ماه داشتند. ۳۰ درصد از شنوندگان رادیو مریم خود را به شدت مذهبی، و ۶۸ درصد خود را مذهبی می‌دانند.

پژوهشگرانی که به تحلیل گفتمان خانواده‌ی رادیو مریم پرداخته‌اند، این جنبش را مروج جهان‌بینی "مانوی" و "قبیله‌گرایی" دانسته‌اند. می‌توان "تمامیت‌خواهی" را هم یکی از دیگر ویژگی‌های اصلی این جنبش شمرد. جهان‌بینی مانوی یا ثنویت‌باور باعث می‌شود که اعضای این جنبش، واقعیت اجتماعی را عرصه‌ی نبرد دائمی میان قوای خیر و شر بدانند. در نتیجه، نوعی "ذهنیت تحت محاصره" دارند و کسانی را که عضو این جنبش نیستند، دشمن می‌پندارند یا، حداقل، به آنها سؤظن دارند. این "دشمن بالقوه" شکل مشخصی ندارد و می‌تواند افراد، گروه‌ها، نهادها یا پدیده‌های گوناگونی را دربرگیرد. اعضای این جنبش معمولاً سردبیر روزنامه‌ی گازتا و بیژزا،^۷ لیبرال‌ها، یهودیان، همجنسگرایان، فراماسون‌ها و اتحادیه‌ی اروپا را دشمن و تهدیدی برای خانواده‌ها، ملت، کشور، حاکمیت، سنت و فرهنگ ملی تلقی می‌کنند. هرگونه حمله به لهستانی بودن را معادل حمله به

^۵ نخستین حلقه را دختری معلول به نام ماگدالنا بوچک به کمک والدینش تشکیل داد. ابتکاری که در سراسر کشور رواج یافت. به ادعای ماهنامه‌ی "در خانواده‌ی ما"، در مارچ ۲۰۰۷، ۱۳۵۰۰۰ نفر در ۳۱ کشور عضو "حلقه‌های کودکان تسبیح‌گوی" بودند. برخی از پژوهشگران در درستی این ارقام تردید کرده‌اند.

^۶ شهری در جنوب لهستان که هر سال میزبان میلیون‌ها زائری است که برای زیارت شمایل "مریم مقدس سیاه" به آن شهر می‌روند.

^۷ *Gazeta Wyborcza*

روزنامه‌ای بانفوذ و لیبرال‌مسلك. سردبیر آن، آدام میچنیک، روشنفکری یهودی‌تبار است که از مخالفان نامدار نظام کمونیستی بود و چند بار به زندان افتاد. در سال ۱۹۸۹، هفته‌نامه‌ی فرانسوی لوی او را به عنوان "مرد سال اروپا" برگزید. وی جوایز فراوانی را دریافت کرده که از میان آنها می‌توان به جایزه‌ی حقوق بشر رابرت اف. کندی (۱۹۸۶)، جایزه‌ی آزادی انجمن قلم فرانسه (۱۹۸۸)، جایزه‌ی اراسموس (۲۰۰۱)، شوالیه‌ی لژیون دونور (۲۰۰۳) و مدال گوته (۲۰۱۱) اشاره کرد.

کلیسای کاتولیک می‌شمارند. هر انتقادی از کلیسای کاتولیک را هم مترادف با انتقاد از لهستانی بودن می‌پندارند. به نظر آنها، کلیسای کاتولیک و ملت لهستان درهم تنیده‌اند و این ملت نه زاینده‌ی تاریخ بلکه آفریده‌ی خداوند است.

قبیله‌گرایی به این معنی است که اعضای این جنبش عقیده دارند که نظم اجتماعی باید مبتنی بر اصول اخلاقی واحدی باشد، و تحمیل کامل این اصول تنها راه حل مشکلات اجتماعی است. به نظر آنها، تنها یک راه برای "خوب زیستن" وجود دارد و همه باید همین راه را دنبال کنند.

به نظر شنوندگان رادیو مریم، دین نباید به امور عبادی و کارهای خیریه محدود شود بلکه باید در همه‌ی عرصه‌های اجتماعی فعال باشد. به عقیده‌ی این افراد، مسئولیت کلیسای کاتولیک تنها به جنبه‌های اخلاقی و دینی جامعه محدود نیست و کل حیات اجتماعی را دربرمی‌گیرد. تمامیت‌خواهی این جنبش را می‌توان در مفهوم "سه مادر" دید، مفهومی که این جنبش از سال ۲۰۰۲ به ترویج آن پرداخته است. حامی این جنبش، "مریم عذراپی است که در قلب بسیاری از لهستانی‌ها جای دارد؛ افزون بر این، او تجسم کلیسایی است که رادیو مریم از آن محافظت می‌کند؛ علاوه بر این، وی مظهر "مام‌میهنی است که رادیو مریم او را می‌پرستد".

فعالیت‌های عمده

در ده سال گذشته، خانواده‌ی رادیو مریم توانسته اعضای خود را در حمایت از نامزدها و احزاب سیاسی موردنظرش بسیج کند. برای مثال، در سال ۲۰۰۱، این جنبش در ظهور "اتحادیه‌ی خانواده‌های لهستانی" در عرصه‌ی سیاسی کشور نقش مهمی داشت. در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۱، ۷۰ درصد از شنوندگان رادیو مریم رأی دادند، در حالی که در کل کشور تنها ۴۶ درصد از مردم به پای صندوق‌های رأی رفتند. در این انتخابات، ۴۱ درصد از شنوندگان رادیو مریم به "اتحادیه‌ی خانواده‌های لهستانی"، ۱۴ درصد به حزب عوام‌گرای "دفاع از خود"، ۱۰ درصد به حزب "همبستگی انتخاباتی جناح راست"، ۸ درصد به حزب "قانون و عدالت" و ۸ درصد به حزب "اتحادیه‌ی آزادی" رأی دادند.

در انتخابات سال ۲۰۰۵ هم رادیو مریم، شبکه‌ی تلویزیونی پایداری و روزنامه‌ی نازجینیک به شدت سرگرم بسیج سیاسی بودند. این بار نیز مشارکت انتخاباتی شنوندگان رادیو مریم (۶۵ درصد) بسیار بیشتر از میانگین کل کشور (۴۰ درصد) بود. اما اولویت‌های سیاسی رأی‌دهندگان رادیو مریم تغییر کرده بود و ۱۲ درصد از آنها به "اتحادیه‌ی خانواده‌های لهستانی"، و ۱۱ درصد به حزب "دفاع از خود" رأی دادند. اکثر آرای آنها (۴۰ درصد) به حزب "قانون و عدالت" تعلق گرفت. با وجود این، تحلیل نتایج این انتخابات نشان می‌دهد که شنوندگان رادیو مریم از توصیه‌های سیاسی پدر ریڈزیک به طور کامل اطاعت نکردند زیرا ۱۶ درصد از آنها به حزب "مَرام مدنی" رأی دادند، حزبی که پدر ریڈزیک بارها از آن انتقاد کرده بود. این وضعیت در انتخابات بعدی هم تکرار شد.

در سپتامبر ۲۰۰۷، پارلمان لهستان منحل شد. در انتخابات اکتبر آن سال، اختلاف میان میزان مشارکت انتخاباتی شنوندگان رادیو مریم (۶۷ درصد) و عامه‌ی مردم (۵۴ درصد) کاهش یافت. نتایج این انتخابات

حاکمی از تداوم سرخوردگی شنوندگان رادیو مریم از حزب "اتحادیه‌ی خانواده‌های لهستانی" و نامزدهایش بود. ۶۳ درصد از آرای شنوندگان رادیو مریم به حزب "قانون و عدالت"، و ۲۰ درصد به حزب "مقام مدنی" تعلق گرفت. احزاب "مردم لهستان"، "دفاع از خود" و "اتحادیه‌ی خانواده‌های لهستانی"، به ترتیب، تنها ۶.۴ و ۳ درصد از آرای شنوندگان رادیو مریم را به دست آوردند. چون حد نصاب کسب کرسی در مجلس لهستان، ۵ درصد است، هیچ یک از نامزدهای دو حزب "دفاع از خود" و "اتحادیه‌ی خانواده‌های لهستانی" به مجلس راه نیافتند.

علاوه بر بسیج سیاسی، خانواده‌ی رادیو مریم راه‌پیمایی‌ها، سفرهای زیارتی و همایش‌های سالانه‌ای را سازمان‌دهی می‌کند. این امر نه تنها به این جنبش اجازه می‌دهد تا آرای خود را ترویج کند بلکه به اعضایش امکان می‌دهد تا سرمایه‌ی اجتماعی و سپهری عمومی بیافرینند. در نتیجه، "جامعه‌ی مدنی بدیلی" پدید می‌آید که هر چند ضرورتاً همکاری سازنده‌ای با نهادهای حکومتی ندارد اما بازیگران اجتماعی فعال در خود را توانمند می‌سازد. این بازیگران، که از منابع مالی و مدنی لازم برای کنشگری اجتماعی و سیاسی محرومند، در غیاب ساختارهای اجتماعی این جنبش قطعاً شهروندانی منفعل می‌بودند. بی‌تردید، خانواده‌ی رادیو مریم نه تنها حس عاملیت را در بسیاری از اعضای خود زنده می‌کند بلکه باعث می‌شود که آنها از "مفید بودن" و "عضو جامعه بودن"، که برای سالمندان بالای ۶۰ سال اهمیت مضاعفی دارد، احساس رضایت کنند. آنها در درون این جنبش دوباره احساس می‌کنند که جزئی از "خانواده/جامعه" اند. همان جامعه‌ای که بر اثر تغییر و تحولات سریع و فراگیر از آن دور مانده بودند.

در سال ۲۰۰۶، این جنبش برای نخستین بار "راه‌پیمایی سالانه‌ی زندگی و خانواده" را سازمان‌دهی کرد.^۸ این راه‌پیمایی هر سال ۵۰۰۰-۳۰۰۰ نفر از مخالفان سقط جنین را به خیابان‌های ورشو می‌کشاند. در سال‌های اخیر، این جنبش در دیگر شهرهای لهستان، جلساتی را در ارتباط با این راه‌پیمایی برگزار کرده است. اخیراً هواداران این جنبش در دفاع از "آزادی رسانه‌ها" و در حمایت از نصب صلیب جلوی کاخ ریاست جمهوری در ورشو پس از سقوط هواپیمای رئیس‌جمهور لهستان در روسیه، راه‌پیمایی کرده‌اند.^۹ افزون بر این، ایستگاه رادیویی این جنبش، شنوندگان خود را علیه تصمیم دولت به انحلال "صندوق کلیسا" بسیج کرده است.

سخن پایانی

روابط کلیسای کاتولیک و حکومت در لهستان پساکمونیستی پیوسته در حال تغییر و تحول است. این تغییرات بیش از هر چیز، نتیجه‌ی مستقیم و غیرمستقیم تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در این کشور است. هیچ یک از ابعاد گوناگون آیین کاتولیک از تأثیر تحولات دموکراتیک پساکمونیستی مصون نمانده است. برخی از روحانیون کاتولیک که در دوران کمونیسم فرصتی برای عرض اندام نداشتند، از شرایط اقتصادی، سیاسی و

^۸ این تظاهرات از راه‌پیمایی مخالفان سقط جنین در آمریکا الگو گرفته که در سال ۱۹۷۴ شروع شد. در راه‌پیمایی‌های دو سال اخیر، دویست و پنجاه هزار نفر از مخالفان سقط جنین در خیابان‌های واشنگتن تظاهرات کردند.

^۹ برداشتن صلیب از مقابل کاخ ریاست جمهوری به مناقشه‌ی سیاسی حادّی تبدیل شد و کلیسای کاتولیک هم برای مدتی طولانی از اتخاذ تصمیمی قاطع در این مورد ناتوان بود. این امر بار دیگر نشان داد که میان رهبران کلیسای کاتولیک، اختلاف نظرهای عمیقی وجود دارد که تنش میان کلیسا و حکومت را تشدید می‌کند.

اجتماعی جدید بهره بُردند و هواداران خود را برای دستیابی به اهداف سیاسی و اجتماعی بسیج کردند. بی‌تردید، بنیانگذار جنبش خانواده‌ی رادیو مریم نمونه‌ای از این روحانیون است. البته نباید از یاد برد که این جنبش به طور ناگهانی پدید نیامد بلکه مبانی ایدئولوژیکی و جامعه‌شناختی آن مدت‌ها پیش از ظهور پدر ریدزیک در عرصه‌ی سیاسی بنا نهاده شده بود.

همان طور که نشان دادیم، در دو دهه‌ی گذشته، خانواده‌ی رادیو مریم به یکی از نیرومندترین جنبش‌های اجتماعی در لهستان تبدیل شده است. این جنبش با برانگیختن عاملیت و کنشگری اجتماعی اقشار نسبتاً فقیر و محروم جامعه دستاوردهای سیاسی مهمی را کسب کرده است. این جنبش چه آینده‌ای دارد؟ به نظر برخی از پژوهشگران، کاهش تعداد شنوندگان رادیو مریم، که ناشی از پیرتر شدن این گروه است، حاکی از تضعیف این جنبش است. شاید این حرف درست باشد. با وجود این، به هیچ وجه نمی‌توان از محو کامل این جنبش در آینده‌ی نزدیک سخن گفت. این جنبش پایه و اساس اجتماعی و نهادی محکمی در میان قشرهای کاتولیک محافظه‌کار جامعه دارد. خیلی بعید است که این جنبش از میان برود اما در صورت تقویت روند سکولاریزاسیون، در آینده‌ی نزدیک از نفوذ آن بر حیات سیاسی کاسته خواهد شد. همان طور که دیدیم، نفوذ سیاسی این جنبش به سرنوشت احزاب سیاسی راست و راست افراطی گره خورده است. هر قدر از نفوذ این احزاب در روندهای تصمیم‌گیری سیاسی کاسته شود، قدرت خانواده‌ی رادیو مریم هم کاهش خواهد یافت. به عبارت دیگر، همچون دیگر جنبش‌های اجتماعی، سرنوشت خانواده‌ی رادیو مریم هم به شدت وابسته به فرصت‌ها و محدودیت‌های سیاسی موجود است.

برگردان و بازنویسی: عرفان ثابتی